

حوادث کوتاه

شلیک پدر بی رحم به پسرش در صحنه گروگانگیری

تیم رهایی از گروگان پلیس کرمانشاه با اقتدار اقدام به رهایی گروگان ۹ ساله از جنگال پدرش کردند. شامگاه پنجشنبه در روستای ده‌پهن از توابع بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه، یک متهم سابقه‌دار با استفاده از سلاح جنگی به سمت همسر و پسرخاله همسر خود تیراندازی کرد و سپس متواری شد. پس از وقوع این حادثه و فرار متهم، موضوع به صورت ویژه تحت پیگیری پلیس قرار گرفت و خیلی زود مخفیگاه متهم شناسایی شد. مأموران با شناسایی مخفیگاه متهم برای دستگیری وی وارد عمل شدند اما مرد مسلح به محض حضور مأموران در محل شروع به تیراندازی به سمت آنها کرد و این در حالی بود که تیم‌های پلیسی متهم را در محاصره قرار دادند و متهم سابقه‌دار ۹ فرزند ۹ ساله خود را گروگان گرفت و عنوان کرد در صورت نزدیک شدن پلیس اقدام به قتل فرزند خود می‌کند. در این شاخه از تحقیقات، تیم رهایی گروگان نوسو وارد عمل شدند و اما مرد بی رحم به فرزند خود شلیک کرد که باعث زخمی شدن فرزندش شد و در این مرحله مأموران به سرعت وارد مخفیگاه متهم شده و او را در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر کردند. بنابراین گزارش، متهم در صحنه دستگیری مصدوم و روانه بیمارستان شد و وضعیت کودک ۹ ساله نیز خوب گزارش شده است.

بازداشت دادستان سرشناس در مازندران

دادستان یکی از شهرهای استان مازندران در راستای مقابله همه‌جانبه با فساد در دستگاه قضایی بازداشت شد. در پی تأکید مکرر رئیس قوه قضائیه مبنی بر برخورد قاطع با تخلفات درون دستگاهی، مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه طی روزهای گذشته دادستان یکی از شهرهای استان مازندران را دستگیر کرد. قابل ذکر است نهاد تحقیق و بازداشت فرد مورد اشاره مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه است که در راستای وظایف ذاتی خود و برخورد با تخلف درون دستگاهی به پرونده این فرد ورود و وی را بازداشت کرده است. برای دادستان مورد اشاره پرونده قضایی تشکیل شده است و تحقیقات در این مورد ادامه دارد.

قتل خونین ۳ مرد در کرمانشاه

۳ مرد در درگیری خونین در یکی از روستاهای بخش سرفیروزآباد کرمانشاه به قتل رسیدند ۱۲ نفر از این پرونده خونین دستگیر شدند. اواخر هفته گذشته ۲ خانواده در روستای میانه منطقه سرفیروزآباد کرمانشاه به دلیل اختلاف بر سر زمین کشاورزی با یکدیگر درگیر شدند. این درگیری بسیار گسترده بوده است به نحوی که پلیس با تمام قوا به محل اعزام می‌شود و در مرحله اول اقدام به تثبیت امنیت منطقه کرده و خانواده متوفیان را با همکاری ریش سفیدان به آرامش دعوت می‌کند. در این درگیری دایی جوان و ۲ خواهرزاده به قتل می‌رسند و تعدادی نیز زخمی می‌شوند. یکی از قاتلان ۱۲ نفر از عوامل نزاع دستگیری می‌شوند و افرادی نیز تحت تعقیب پلیس قرار می‌گیرند. گفتنی است طی یک ماه گذشته ده‌ها نفر به دلیل اختلاف بر سر قیمت فروش محصول باغ گیلاس، دعوا بر سر چرای دام، اختلاف بر سر زمین کشاورزی و اختلاف خانوادگی در روستاهای استان کرمانشاه به قتل رسیده‌اند که نیاز است نهادهای فرهنگی آسیب‌شناسی کرده و با برنامه‌ریزی لازم نسبت به رفع مشکلات اقدام کنند.

بازداشت سرکرده باند راهزنان مسلح در اهواز

سرکرده باند سارقان مسلح جاده‌ای اهواز به شوش، در یک عملیات پلیسی دستگیر شد. سرهنگ سیروس دریکوند، رئیس پلیس آگاهی استان خوزستان گفت: در پی وقوع یک فقره سرقت مسلحانه جاده‌ای از یک دستگاه خودرو در محور اهواز-شوش، از همان لحظات اولیه تیم‌های عملیاتی پلیس برای شناسایی و دستگیری سارقان کار خود را آغاز کردند. وی افزود: مأموران انتظامی شهرستان شوش و پلیس آگاهی استان با کار اطلاعاتی و تلاش شبانه‌روزی پس از ۴۸ ساعت محل اختفای سرکرده سارقان مسلح به هويت «س-ص» را در شهرستان شوش شناسایی و با هماهنگی مرجع قضایی در عملیات ضربتی و غافلگیرانه او را دستگیر کردند. رئیس پلیس آگاهی استان خوزستان با اشاره به کشف بخشی از اموال مسروقه در منزل متهم تصریح کرد: در تحقیقات به عمل آمده مشخص شد مجرم مزبور به اتهام یک فقره قتل در اردیبهشت‌ماه سال جاری متواری بوده است. دریکوند با اشاره به اینکه معرفی متهم به مرجع قضایی صورت گرفته و تلاش برای دستگیری سایر همدستان این مجرم به صورت ویژه ادامه دارد، تأکید کرد: امنیت مردم خط قرمز پلیس است و با فرد یا افرادی که قصد خدشه‌دار کردن آن را داشته باشند با اقتدار برخورد خواهیم کرد.

مردی که زندگی را برای همسر اولش جهنم کرد

کفش هایم کو؟!

نزدیک ظهر بود. به کنار پنجره اتاق رفتم. پیره را کنار زدم و پنجره را کشودم؛ آفتاب داغ تابستان، عاشقانه به روی گلبرگ‌های گل‌دان پشت پنجره می‌تابید. رو به گل‌دان پشت پنجره لیخند زدم و گفتم: «اتاق عمیاد گرفته بود، پنجره را کشودم تا هوایی تازه کند.» او با لیخند پاسخ داد: «در نیندیم به نور در نیندیم به آرمش پر مهر نسیم پرده از ساخت دل بر گیریم رو به این پنجره با شوق سلامی بکنیم!»

خنده‌ام گرفت. گل‌دان پشت پنجره نیز همچون من اشعار سهراب سپهری را زیر لب زمزمه می‌کرد انگار از لایه‌لای آن ابیات گاهی بی‌وزن، معنا بیرون می‌کشید و راه و رسم زندگی می‌آموخت.

از پشت پنجره زنی را دیدم که هراسان و لنگ‌لنگان به این سو می‌آید. به گل‌دان پشت پنجره گفتم: «قصه دیگری در راه است!»

زین جوان لنگ‌لنگان وارد اتاق مشاوره شد و با دستانی لرزان پرونده‌اش را روی میز گذاشت سپس در حالی که می‌گفت نمی‌خواهم از همسر جدا شوم چون جز او کسی را ندارم، بغضش شکست و قطرات اشک همچون جویباری از چشمانش جاری شد. پرونده را باز کردم، در قسمت موضوع شکایت نوشته شده بود: «ایراد ضرب و شتم عمدی از سوی همسر.»

تیب پسرانه در جوانی دقایقی بعد سفره دلش را کشود و در شرح ماجرای زندگی‌اش گفت: «پدر و مادرم در آرزوی تولد فرزند پسر، من را به این دنیا آورده بودند اما به‌رغم خواسته آنان پنجمین فرزندشان نیز دختر شده بود. بدین ترتیب من خودم را فرزندی ناخواسته می‌پنداشتم که همیشه از زن

شهر سکونت داشتیم و همسر از زن دومش نیز صاحب فرزند شده بود. هوییم از اتباع خارجی بود و همچون همسر به مواد مخدر اعتیاد داشت آن دو گاهی در مقابل فرزندانم مواد مخدر استعمال می‌کردند اما هنگامی که با اعتراض من روبه‌رو می‌شدند چیزی جز فحاشی و کتک‌کاری نصیب نمی‌شد. چندین بار تصمیم گرفتم از همسر به مراجع قانونی شکایت کنم اما می‌ترسیدم، ترسی که از دوران کودکی همراهم بود: ترس از تنها رها شدن!

از سویی خانواده نیز هیچ گونه حمایتی از من نمی‌کردند، آنها می‌گفتند دختر باید با لباس سفید به خانه بخت بیرون و با کفن برگردد!

من قانون هشتم گاهی همسر را تهدید به شکایت می‌کردم اما او با کستاخی می‌گفت: «من قانون هشتم و تو هیچ غلطی نمی‌توانی بکنی!» و هر وقت مشاجرهای بین ما صورت می‌گرفت کفش‌هایم را پنهان می‌کرد تا نتوانم از خانه خارج شوم.

خلاصه یک شب باز هم به بهانه‌ای او را می‌کشدم کتک مفصلی شدم. دیگر تحمل این زندگی برابم سخت بود. با خود گفتم دیگر بس است و باید در مقابل این رفتارها باایستم و کاری انجام دهم. صبح روز بعد باورچین از خانه خارج شدم و به خانه زن همسایه رفتم. با شرمساری کفش‌های او را قرض گرفتم؛ کفش‌هایم برای تنگ بود و نیاز داشتم. از زخمی کرده بودم. از سوزش زخم خود دارو، ورق برگشت و رفتارهای من تغییر کرد. او مدام به بهانه‌های واهی من را مورد تهاجم و کتک‌کاری قرار می‌داد تا اینکه روزی دست همسر دومش را گرفت و به خانه آورد. غلام می‌گفت او از این به بعد با ما زندگی خواهد کرد و این در حالی بود که ما در خانه‌ای ۵۰ متری در حاشیه

بودنش متغیر بود. در دوران کودکی و نوجوانی برای جلب محبت و توجه خانواده‌ام دست به هر کاری می‌زدم، گاهی لباس پسرانه می‌پوشیدم و رفتارهایی مردانه نشان می‌دادم آنگاه پدرم با رضایت لیخندی روی لبانش می‌نشاند و می‌گفت: «دختر کوچکم برای خودش مردی فحاشی و کتک‌کاری من با لیخند رضایت پدرم، غرق در شادی می‌شدم غافل از اینکه عزت نفس خود را لایه‌لای این لیخندها و تأییدها از دست دادم و زنانگی‌ام را انکار کردم. در دوران نوجوانی همواره از اعتماد به نفس پابینی برخوردار بودم و در مدرسه نیز هر کاری را برای تأیید دیگران انجام می‌دادم.»

۱۰سال بعد از ازدواج پس از کسب مدرک سبکل دیگر ادامه تحصیل ندادم و مدتی بعد غلام به خواستگاری‌ام آمد و دیری نپایید که کنار او پای سفره عقد نشستیم. هنوز ۱۰ بهار از زندگی مشترکمان نگذشته بود که غلام به معاشرت با دوستان نایاب روی آورد و درگیر مصرف مواد مخدر شد و گرفتار مشکلات شدیدی مالی شدم.

ازدواج دوم شوهرم روزی غلام به من گفت: «باید به صورت محضری رضایت بدهی که با زن دیگری ازدواج کنم وگرنه راهی زندان خواهم شد.» به گفته غلام آن زن از طلبکارانش بود و غلام قول داد پس از گذشت چند ماه آن زن را طلاق خواهد داد و من نیز برای حفظ زندگی‌ام با این ازدواج موافقت کردم اما پس از اینکه غلام آن زن را به عقد خود درآورد، ورق برگشت و رفتارهای من تغییر کرد. او مدام به بهانه‌های واهی من را مورد تهاجم و کتک‌کاری قرار می‌داد تا اینکه روزی دست همسر دومش را گرفت و به خانه آورد. غلام می‌گفت او از این به بعد با ما زندگی خواهد کرد و این در حالی بود که ما در خانه‌ای ۵۰ متری در حاشیه

دیگران اجازه بدهد هر توری دلشان می‌خواهد رفتار کنند و وارد حریم خصوصی‌اش بشوند از این بهتر نمی‌شود. نظریه کارشناس «سارا قربان زاده» مشاور خانواده و مدرس مهارت‌های زندگی در این باره می‌گوید: توجه به چند نکته برای همه خیلی ضروری است. نکته اول اهمیت یادگیری فرهنگ استفاده از فضای مجازی است. متأسفانه برخی افراد قبل از آنکه فرهنگ استفاده از این فضای بی‌در و پیکر و حریم‌های شخصی خود و دیگران را یاد بگیرند، با هر سن و جایگاه و تحصیلاتی وارد این فضا شده و همین موضوع آسیب‌های زیادی که گاهی نیز جبران‌ناپذیر هستند به افراد و خانواده‌ها وارد می‌کند. وی افزود: نکته دوم مرزبندی‌های درون و بیرون خانواده است که میزان تمایز و استقلال زوجین و خانواده را از دیگران، پدر و مادر، خویشاوندان و دوستان مشخص می‌کند. وی خاطرنشان کرد: ما باید به زن و شوهرهای جوان آموزش بدهیم اینکه چطور مرزهای خودشان را مشخص و در عین دلبستگی به خانواده‌ها و فامیل و دوستان و... بتوانند استقلال و تمایز خودشان را از مسائل و کنش‌وری‌های دیگر در شرایطی که با دیگران ارتباط دارند حفظ کنند.

نکته بعدی که اینجا به چشم می‌آید مسأله قهر کردن است؛ در این ماجرا زن جوان از خانه قهر می‌کند. در مسائل مربوط به خانواده یکی از موضوعاتی که به صمیمیت بیشتر زوجین کمک می‌کند آموزش مهارت‌های حل مسأله و اصلاح روابط کلامی و غیرکلامی است.



نظر کارشناس

سرهنگ دوم مریم زواری

تسلط نداشتن بر مهارت‌های زناشویی، بیماری‌های جسمی و روانی، مشکلات اقتصادی و بیکاری را می‌توان از جمله مهم‌ترین دلایل همسرآزاری بر شمرده اما بدون شک اعتیاد مردان مهم‌ترین دلیل ارتکاب همسر آزاری از سوی مردان است چرا که قدر معنادار تنظیم هیجان ضعیفی دارد و در هنگام تجربه هیجانات منفی همچون خشم، رفتارهای خشونت‌آمیز بروز می‌دهد. علاوه بر عوامل فردی و روانشناختی عوامل خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی نیز در بروز همسر آزاری، نقش مؤثری دارند. متأسفانه در برخی فرهنگ‌ها، سلطه‌گری و پرخاشگری مردان امری طبیعی تلقی می‌شود. همسر آزاری پیامدهای ناگوار دارد که از جمله می‌توان به کاهش اعتماد به نفس، افسردگی، اضطراب و احساس گناه در فرد قربانی اشاره کرد. در این میان فرزندان نیز به عنوان شاهدان خشونت مشکلاتی همچون افسردگی، اضطراب، مشکلات تحصیلی و... را تجربه خواهند کرد. از سویی دیگر زنان رکن اصلی جامعه محسوب می‌شوند و همسر آزاری سلامت جامعه را به مخاطره می‌اندازد پس پیشگیری از آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزش‌های قبل و بعد از ازدواج و به دنبال آن افزایش کیفیت روابط زناشویی، آگاهی عمومی افراد جامعه، آموزش مهارت‌های حل مسأله و کنترل و مدیریت خشم و مراجعه به روانشناس و مشاور در هنگام بروز اختلافات زناشویی از جمله مهم‌ترین راهکارهایی است که می‌توان به وسیله آن از بروز همسر آزاری پیشگیری کرد.

قتل زن بی عاطفه در صحنه اعتراف به خیانت

قتل رسیده بود. در نخستین گام جسد زن جوان به دستور بازپرس کشیک قتل به پزشکی قانونی منتقل شد. ردیابی قاتل فراری در ادامه با بررسی‌های اولیه پلیس و تحقیقات میدانی صورت گرفته، کارآگاهان دریافتند همسر مقتول، به دلیل داشتن اختلافات خانوادگی با او درگیر شده و همسرش را به قتل رسانده و فرزند ۴ ماهه خود از محل جاییت متواری شده است. مأموران انتظامی با انجام فعالیت‌های اطلاعاتی، سرنخ‌های حضور متهم در شهر تهران به دست آوردند و با هماهنگی پلیس راه‌آهن و بررسی شواهد، در عملیاتی متهم را قبل خروج از کشور دستگیر کردند. این گزارش حاکی است، متهم در اظهاراتش مدعی شد که وقتی فهمید همسرش به من خیانت کرده مرد غریبه را پیدا کردم و دست وپایش را بستم و در خانه زندانی کردم اما بعد او را رها کردم تا اتاق ناگواری نيفتد چون همسرم را دوست دارم و به او گفتم به خاطر علاقه‌ای که به تو دارم تو را می‌بخشم اما همسرم در مقابل این جمله گفت که به من علاقه‌ای ندارد و آن مرد غریبه را دوست دارد. من این حرف‌ها را که شنیدم خون جلوی چشمانم را گرفت و در یک چشم برهم زدن پا چاقو به جان او افتادم و بعد از کشتن‌اش بی فرزند ۴ ماهه‌ام پایه فرار گذاشتم.

سرهنگ علیزاده با اشاره به تشکیل پرونده و معرفی قاتل فراری به مرجع قضایی، به شهروندان توصیه کرد: متأسفانه درگیری‌های ساده و از روی تعصب‌های بیجا، تاکنون بسیاری از خانواده‌ها را عرصادار کرده و تعداد زیادی نیز به خاطر نداشتن کنترل مناسب بر رفتار خود در زندان به سمری‌برند و بسیاری از قتل‌ها بدون برنامه‌ریزی قبلی و به وسیله سلاح سرد رخ می‌دهد و برای متهمان جز پشیمانی، حبس و انتظار برای قصاص چیز دیگری به همراه ندارد.



خانه جهنمی عروس و داماد



خشمگین زده بود. بلافاصله به عامل این شوخی مسخره زنگ زد و گفتم چرا و به چه حقی چنین کار اشتباهی کرده‌ای؟ او موضوع را جلدی نمی‌گرفت. اما وقتی دید خیلی ناراحت شده‌ام عکس را حذف کرد. با عجله به خانه برگشتم. چشمانم روز بد نبیند. بین من و همسر که تازه ازدواج کرده‌ایم درگیری مفصل و شدیدی به وجود آمد. حتی پسر فامیل‌مان آمد و گفت از سر شوخی احمقانه عکس لغنتی را مونتاز کرده است. همسرم گوشش بدهکار این حرف‌ها نبود و با اینکه می‌دانست ریگی به کفش ندارم، دعوا و بگومگو ما چند روز ادامه داشت و بعد هم قهر کرد و از خانه بیرون زد. با یادمانی برادر همسرم آشتی کردیم. همسرم به خانه برگشت ولی هر روز می‌گفت دل چرکین است و... من و همسرم چوب اشتباه دیگران را خریدیم. مرده شور این شبکه‌های اجتماعی و شوخی‌های بی‌مزه بعضی افراد سبکسر را حرف آخرم این است: خودم هم مقصوم. وقتی آدم برای خودش شأن و احترام قائل نباشد و به